



افزایش سرمایه از طریق تبدیل مطالبات

غلامرضا سلام

امکان سوءاستفاده را برای اکثریت در مقابل اقلیت به وجود می‌آورد.

به منظور روشن تر شدن موضوع بهتر است که مفهوم اقلیت از دیدگاه قانون تجارت توضیح داده شود. بطور کلی طبق قانون تجارت ایران کنترل شرکتها معمولاً "در دست صاحبان بیش از ۵۰ درصد سرمایه می‌باشد، چه با در دست داشتن این اکثریت می‌توان حسابها را تصویب نمود، بازرس انتخاب کرد و کنترل مدیریت شرکت را در اختیار گرفت تا اینحای قضیه چنانکه بازرسان به وظایف قانونی و حرفه‌ای خود خوب عمل کنند، اشکال عمده‌ای برای اقلیت پیش نخواهد آمد و بخصوص اینکه در صورت تخلف اکثریت و به استناد گزارش بازرس قانونی راه برای استیفای حقوق سهامداران اقلیت در قانون

خصوصیت اساسی قوانین تجاری و بویژه مقررات مربوط به شرکتها در این است که حقوق کلیه افراد ذینفع بطور یکسان رعایت می‌شود و تصمیم‌گیران نمی‌توانند خدای ناکرده نسبت به کسانی که در کوران اداره امور شرکت نیستند و نقش چندانی در تصمیم‌گیریهای آن ندارند، ظلمی روا دارند.

یکی از عمده‌ترین وظایف بازرس قانونی شرکت نیز با همین خصوصیت قانون تجارت ارتباط پیدا می‌کند و در حقیقت صاحبان سهام اقلیت و اشخاص ثالث از خدمات بازرس قانونی بیش از دیگران بهره می‌گیرند. خوشبختانه قانون تجارت سال ۱۳۴۷ ایران تا اندازه زیادی از این خصوصیت برخوردار می‌باشد لکن در بعضی از موارد تدوین‌کنندگان قانون سهواً مرتکب اشتباهاتی شده‌اند که

تجارت پیش‌بینی شده است .

اقلیت مورد نظر نگارنده در این بحث سهامدارانی هستند که مجموعاً " کمتر از یک سوم سرمایه شرکت را در اختیار دارند و در این حالت هیچ نوع دخالتی در تصمیمات مجامع عمومی فوق العاده که مرتبط با تغییرات اساسنامه و افزایش و کاهش سرمایه ، نخواهند داشت . در رابطه با تغییرات اساسنامه به نحوی که حقوق و امتیازات بیشتری برای صاحبان سهام اکثریت ایجاد شود هر چند تصریح قانونی برای جلوگیری از این امر وجود ندارد لکن به نظر می‌رسد که به استناد ماده ۹۳ اصلاحیه قانون تجارت بتوان در مقابل آن ایستاد . متن ماده ۹۳ به شرح زیر است :

" در هر موقع که مجمع عمومی صاحبان سهام بخواهد در حقوق نوع مخصوص از سهام شرکت تغییر بدهد تصمیم مجمع قطعی نخواهد بود مگر بعد از آنکه دارندگان این گونه سهام در جلسه خاص آن تصمیم را تصویب کنند و برای آنکه تصمیم جلسه خاص مذکور معتبر باشد باید دارندگان لااقل نصف اینگونه سهام در جلسه حاضر باشند و اگر در این دعوت این حد نصاب حاصل نشود در دعوت دوم حضور دارندگان اقل " یک سوم اینگونه سهام کافی خواهد بود . تصمیمات همواره با اکثریت دو سوم آراء معتبر خواهد بود . "

بطوریکه ملاحظه می‌شود از متن ماده فوق چنین استنباط می‌گردد که گیرندگان امتیاز می‌باید تغییر حقوق سهام خود را تصویب کنند . حال آنکه به نظر می‌رسد منظور قانونگذار عکس قضیه فوق بوده است یعنی این دهندگان امتیاز می‌باشند که باید از دست دادن امتیاز را تصویب نمایند . حال چنانکه فرض شود اکثریت سهامداران



بخواهند از طریق مجمع عمومی فوق العاده حقوق بیشتری برای خود کسب نمایند با توجه به اینکه بدست آوردن حقوق اضافی برای اکثریت به مثابه از دست دادن حقوقی برای اقلیت می‌باشد و لذا می‌باید با استناد ماده مذکور قبل از تصویب امر در مجمع عمومی فوق العاده موافقت اقلیت سهامداران کسب شود .

موضوع مورد بحث در این مقاله مفاد ماده ۱۸۵ قانون تجارت می‌باشد . از آنچه که در گذشته اتفاق افتاده است می‌توان نتیجه گرفت که با وجود چنین ماده‌ای با اراده سهامداران اکثریت می‌توان به اظهار وجود سهامداران اقلیت خاتمه داد ، بدون آنکه اینگونه سهامداران وسیله موثری برای دفاع از خود داشته باشند ، متن ماده بشرح زیر است :

" در صورتی که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام افزایش سرمایه شرکت را از طریق تبدیل مطالبات نقدی حال شده

اشخاص از شرکت تصویب کرده باشد سهام جدیدی که در نتیجه اینگونه افزایش سرمایه صادر خواهد شد با امضاء ورقه خرید سهم توسط طلبکارانی که مایل به پذیره نویسی سهام جدید باشند انجام می‌گیرد".

ملاحظه می‌شود که به استناد ماده فوق سهامداران اکثریت که معمولاً "مدیریت شرکت را نیز در اختیار دارند، می‌توانند در صورتی که بخواهند با یک برنامه حساب شده، حق تقدم خرید سهام سهامداران اقلیت را سلب نموده و کل افزایش سرمایه را بخود اختصاص دهند.

جای تعجب است که قانون‌گذار در مورد افزایش سرمایه از طریق تادیه مبلغ اسمی سهام جدید به نقد آنچنان با وسواس مساله را مورد توجه قرار داده است که ضایع کردن حقوق سهامداران اقلیت تقریباً غیر ممکن می‌باشد، در مورد افزایش سرمایه از طریق تبدیل مطالبات این چنین سهل با مساله برخورد نموده است. طبق ماده ۱۶۶ قانون تجارت حداقل مدت ممکن برای استفاده از حق تقدم خرید سهام جدید که باید با اطلاع کلیه سهامداران برسد شصت روز تعیین شده است و طبق ماده ۱۶۸ چنانچه شرکت بدلیل قابل توجیهی که می‌باید به تائید بازرس قانونی نیز رسیده باشد، تصمیم به سلب حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید را داشته باشد، سهامدارانی که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است حق رای ندارند. بنابراین ملاحظه می‌شود غیر از راههای غیراصولی برای اکثریت امکان ضایع کردن حقوق سهامداران اقلیت در زمینه سلب حق تقدم وجود ندارد.

مساله فوق در ایران به سبب آنکه معمولاً ارزش روز داراییهای شرکت به مراتب بیشتر از ارزش دفتری آنها می‌باشد و در نتیجه شرکتها عموماً دارای اندوخته‌های مخفی

بالایی هستند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چه در واقع هنگام افزایش سرمایه این اندوخته مخفی رقیق شده و سهم سهامدارانی که در افزایش سرمایه شرکت نکرده‌اند نسبت به کل داراییهای شرکت کاهش می‌یابد. موضوع موقعی بیشتر قابل تامل است که اکثریت با استفاده از امکانات خود و ایجاد ذخیره‌های احتمالی با استفاده از ماده فوق سود بیشتری را نصیب خود می‌سازند و از این هم بدتر زمانی است که در اثر اینگونه ذخیره‌ها شرکت را ظاهراً مشمول ماده ۱۴۱ قانون تجارت نموده و ابتدا سرمایه شرکت را کاهش داده و سپس آن را افزایش می‌دهند و در نتیجه با استفاده از این شگرد اقلیت را از هرگونه اظهار وجودی بازمی‌دارند.

وظیفه بازرسان در چنین مواردی مسلماً بیش از آن است که تاکنون انجام می‌داده‌اند زیرا به نظر نگارنده صرف تائید مطالبات سهامداران بخصوص از شرکت و اثبات وجود چنین مطالباتی کافی به مقصود نمی‌باشد و بازرس موظف است ابتدا لزوم پیدایش چنین بدهی را بررسی نموده و چنانکه موضوع مشمول ماده ۱۲۹ قانون تجارت گردد ابتدا تصویب چنین معامله‌ای را از مجمع خواستار شود و سپس در صورتیکه پرداخت وجوه توسط سهامداران توسط مجمع تنفیذ گردید، تائید چنان مطالباتی برای استفاده در افزایش سرمایه خالی از اشکال می‌باشد. و اما به نظر می‌رسد که هیچ‌یک از تمهیدات فوق رافع نقص قانون تجارت در این زمینه نیست، زیرا بهر صورت لازم است کلیه سهامداران در جریان نیاز شرکت به نقدینگی قرار گیرند و طرف مهلت معینی از آنها خواسته شود که این وجوه که اکنون به صورت مطالبات اشخاص از شرکت می‌باشد را پرداخت نموده و در افزایش سرمایه شرکت نمایند. بدیهی است

که مسئول اداره شرکت است و ناچاراً بار کمبود نقدینگی و مشکلات ناشی از آن را برای اداره امور شرکت یا انجام طرحهای توسعه بدوش می‌کشد، دارای اکثریت کافی برای تصویب افزایش سرمایه در شرکت نیست و بنابراین به نظر می‌رسد بهتر باشد که تصمیمات مجامع عمومی فوق العاده نیز مانند تصمیمات مجامع عمومی عادی با اکثریت آراء اتخاذ گردد.

مانند ماده ۱۶۶ پس از گذشت مهلت مذکور این حق از آنها سلب گردیده و نصیب پرداخت‌کنندگان وجوه می‌گردد. در چنین حالتی یعنی زمانی که کلیه سهامداران در افزایش سرمایه از حقوق مساوی برخوردار شوند آنگاه به ضعف اساسی دیگری در قانون تجارت برخورد می‌کنیم و آن تصویب افزایش سرمایه توسط دو سوم سهامداران می‌باشد زیرا در عمل مشاهده می‌شود هیئت مدیره

بایوزش!

در شماره ۲۵ حسابدار علاوه بر اشتباهات متعدد تاییبی تعدادی هم اشتباهات چاپی زیر وجود داشته است، که ضمن بیزش تقاضا داریم، آنها را تصحیح فرمائید:

- ۱- مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی از سری مقالات حسابدار و قانون می باشد. (صفحه ۱۱)
- ۲- صفحه آخر مقاله حسابداری عملیات بانکی بدون بهره (صفحه ۳۶) باید بشکل

زیر درآید :

C=بهای خرید کالا یا اموال

P=بیش دریافت

n=تعداد کل اقساط

n'=تعداد اقساط سالیانه

m=تعداد اقساط باقیمانده در هر زمان

(شامل قسط پرداختی)

I=مبلغ هر قسط

R=درآمد کل بانک

r=نرخ سود تضمین شده

K=تعداد کل اقساط در ابتدای سال

L=تعداد اقساط در انتهای سال

اخبار داخلی

فهرست اسامی اعضاء کمیته آموزشی انجمن که در شماره ۱۹ حسابدار بطور ناقص چاپ شده بود در این شماره بطور کامل چاپ می‌شود:

- ۱- آقای پرویز گلستانی (رئیس کمیته)
- ۲- آقای منصور شمس احمدی (نایب رئیس کمیته)
- ۳- آقای سید مهدی سیدمهدی (دبیر کمیته)
- ۴- آقای هوشنگ خستوئی
- ۵- آقای علی امانی
- ۶- آقای ایرج نوروش
- ۷- آقای سید سعید درودی